

قانون مدارس مسجد محور و تنگناهای حکمرانی آموزش عمومی

ریحانه نادری نژاد | عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات راهبردی

اشاره: نمایندگان مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی روز یکشنبه ۱۰ دی ماه ۱۴۰۲ و در جریان رسیدگی به گزارش کمیسیون آموزش، تحقیقات و فناوری در مورد طرح اصلاح موادی از قانون تأسیس و اداره مدارس و مراکز آموزشی و پرورشی غیر دولتی، وزارت آموزش و پرورش را مکلف کردند تا به صورت مشروط مجوز ایجاد مدرسه مسجد محور و یا مرکز آموزش و پرورش مسجد محور را به متقاضی مربوطه بدهد. در زمان نگارش این گزارش این بند به علت پاره‌ای از ایرادات به کمیسیون تخصصی مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع شده است. گزارش حاضر از منظر حکمرانی آموزش به محدودیت‌های نهادی و ساختاری موجود معطوف به قانونی شدن و گسترش مدارس مسجد محور می‌پردازد تا در مسیر اصلاحات قانونی، تدوین و ابلاغ ضوابط اجرایی، ملاحظات سطح حکمرانی بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد.

مقدمه

تنوع بخشی به مدارس و مردمی‌سازی آن‌ها موضوعاتی محوری در مباحث سیاست‌گذاری آموزش و پرورش کشور بوده است. این دو محور مهم‌ترین دلالت‌های توجیهی در مورد طرح «مسجد مدرسه» نیز بوده است، در حالی که هنوز مسئله حکمرانی با تنوع مدارس و نسبت آن با کیفیت و نابرابری‌های آموزشی مشخص نشده است. این جریان با حدود صد مسجد-مدرسه و میانگین ۲۰ دانش‌آموز در هر مدرسه خود را برآمده از نیاز و تقاضای واقعی مردم، توسط مردم و برای مردم در برابر ناکارآمدی و نابرابری‌های آموزش رسمی و تصلب و انسداد مسیرهای اصلاحی در این ساختار توصیف می‌کند. با وجود این ویژگی‌های مثبت و آسیب‌شناسی درست، اما مسئله آموزش عمومی به عنوان یکی از ساحت‌های مهم در نظم اجتماعی سیاسی موجود مسئله‌ای مربوط به حکمرانی ملی و نیازمند تحلیل‌هایی از این منظر است. بدین معنا که باید مبتنی بر هماهنگی سطوح توسعه، کلان و خرد، در افق‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت و همین‌طور بر اساس اقتضائات عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و امنیتی باشد. لذا اتکا به دستاوردهای محدود، منحصربه‌فرد، مبتنی بر انتقال تجربه شفاهی و خارج از سازمان

علمی و قانونی آموزش و پرورش و تعلیم و تربیت رسمی در نزد این جریان نوپدید، در عین وجود ظرفیت‌هایی، در حال حاضر از کفایت لازم برای قانونی شدن برخوردار نخواهد بود. این بند با وجود این کاستی اساسی و عموماً به علت ساختار خاص اقتصاد سیاسی کشور، در مدتی کوتاه و بدون آنکه در مواضع تخصصی خودش مورد گفتگو قرار بگیرد، مطالعات پشتیبان حداقلی داشته باشد و به قامت گفتمان یا هویتی علمی و اجتماعی درآید؛ تبدیل به مصوبه قانونی مجلس شورای اسلامی شد. دهم دی ماه ۱۴۰۲ در جریان اصلاح قانون مدارس غیردولتی در صحن علنی مجلس، پیشنهاد الحاق کلی این بند که توسط روح‌الله ایزدخواه نماینده تهران داده شده بود قرائت شد، و در حالی که دولت و کمیسیون هیچ نظر موافق یا مخالفی را اعلام نکردند به رای گیری گذاشته و تصویب شد. به طوری که مشخص است گفتگوهای تخصصی، انتقادی و مواجهه‌ای عالمانه با موضوع وجود نداشته تا حدی که کمیسیون و دولت قضاوت و موضع‌گیری نداشته‌اند. متن مصوبه بدین شرح است:

«وزارت آموزش و پرورش مکلف است به درخواست اشخاص حقیقی و حقوقی که متقاضی ایجاد مدرسه و یا مرکز آموزشی و پرورش غیردولتی به‌عنوان بخشی از یک مسجد هستند مشروط به موافقت هیئت امنای مسجد رسیدگی کرده و ضمن رعایت ضوابط فنی برای ساختمان مسجد منظور شده از سوی متقاضی مجوز ایجاد مدرسه مسجد محور و یا مرکز آموزشی و پرورشی مسجد محور را به متقاضی مربوطه بدهد. ضوابط اجرایی این ماده به پیشنهاد وزارت آموزش و پرورش و با همکاری مرکز رسیدگی به امور مساجد ظرف مدت سه ماه از ابلاغ این قانون به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش می‌رسد».

هیئت عالی نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام بر اساس گزارش کارشناسی کمیسیون تخصصی مجمع این ماده را اولاً از این حیث که در حال حاضر نیز هیئت امنای مسجد به عنوان یک شخصیت حقوقی امکان درخواست چنین مجوزی را دارد و در نتیجه ماده ۱۹ مذکور، معطوف به رفع یک نیاز واقعی در حوزه قانون‌گذاری نیست، مغایر جزء ۲ بند ۹ سیاست‌های کلی نظام قانون‌گذاری و ثانیاً به دلیل ابهام در شیوه تخصیص منابع اختصاصی مسجد به این‌گونه مدارس، علی‌رغم اهمیت این موضوع از جهات مختلف شرعی و قانونی، و نیز تغییر برخی فعالیت‌های مدارس با شئون مسجد، مغایر جزء ۳ بند ۹ سیاست‌های کلی نظام قانون‌گذاری دانست. همچنین با توجه به اینکه رویکرد بند ۱ سیاست‌های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش کشور، تعمیم و توسعه تعلیم و تربیت اسلامی در کل نظام آموزشی کشور است و این‌گونه اختصاصی‌سازی مدارس با رویکرد مذکور تعارض دارد، این مصوبه مغایر سیاست کلی مورد اشاره تشخیص داده شد.

در حال حاضر مصوبه مذکور برای بررسی بیشتر در مورد اشکالات مطروحه توسط برخی اعضای هیئت عالی، به کمیسیون تخصصی مجمع ارجاع گردیده است. اما جایگاه شورای

عالی نظارت تنها از حیث تطبیق و عدم مغایرت با سیاست‌های کلی نظام به بررسی این ماده پرداخته و ضرورت‌های بسیاری در روند غیرمعارف قانونی شدن این مدارس تعلیق شده است. گزارش حاضر در نظر دارد مسئله مسجد-مدرسه را از منظر حکمرانی ملی و تنگناهای موجود آموزش و پرورش بررسی کند. ابتدا به توضیحاتی درباره تاریخچه و چیستی این مدارس پرداخته شده است. سپس مروری بر فرم برگزاری و محتوای آموزش‌های آن صورت گرفته تا با مدارس مسجدمحور آن‌گونه که واقعاً موجود است آشنایی صورت بگیرد. محور مهم دیگر که شناخت جامع‌تری از وجوه آموزشی و پرورشی این مدارس را نشان می‌دهد رویکرد و روش تعلیم و تربیتی حاکم بر این‌گونه مدارس و مسائل آن است که مورد بحث قرار گرفته است. موضوع ظرفیت‌نهادی و ساختاری سازمان آموزش و پرورش در کشور و نسبت آن با مدیریت و نظارت بر جریان رو به گسترش این مدارس بحث بعدی است. نهایتاً جمع‌بندی و توصیه‌هایی جهت راهبری مطلوب مسیر قانونی شدن مدارس مسجدمحور در تنگناهای موجود حکمرانی آموزش عمومی ارائه گردیده است.

بررسی چیستی و استدلال‌های وجودی مدارس مسجدمحور

هرچند مسجدمدرسه‌ها سابقه تاریخی دارند اما گونه جدید مدارس مسجدمحور در کشور متفاوت از موضوع ارتباط مدرسه با مسجد تعریف می‌شود. شکل‌گیری این نوع خاص مدارس کمی بیش از یک دهه سابقه دارد. به لحاظ سازمان‌یابی در تاریخ ۱۶ آذرماه ۱۳۹۶ در پی گردهمایی متولیان و مدیران مدارس مسجدمحور استان‌ها در قراقره خاتم‌الوصیاء قم، ستاد مردمی مدارس مسجدمحور تشکیل و ۷ نفر به عنوان هیئت مؤسس انتخاب شدند. طبق رأی مجمع عمومی آن در اسفندماه سال ۱۳۹۹ در مشهد مقدس اساسنامه اولیه مدارس مسجدمحور که توسط هیئت مؤسس تنظیم شده بود به تصویب رسید.

به لحاظ مفهومی جریان مسجد-مدرسه، مدارس جدید را تکفیر و اصل نهاد مدرسه را دگرگونه می‌خواهد. این جریان، مسجد و خانواده را متولی و مسئول لازم و کافی آموزش و پرورش قرار می‌دهد. ویژگی مشترک این مدارس که به لحاظ فرم و محتوا تنوع فراوانی دارند، موضع‌گیری علیه آموزش رسمی مدرن است. برخی از استدلال‌های تاریخی مبتنی بر سبقه پیوند دین و آموزش تا قبل از دوره مدرن استفاده می‌کنند. درحالی‌که مطالعاتی مدعی شده‌اند خارج کردن محیط آموزش از مسجد از همان صدر اسلام و زمان حضور پیامبر (ص) روی داده است. بدون این دلالت تاریخی نیز اشکال عمده این استدلال، حذف اصل مقتضیات زمان در تحلیل است. آیا اینکه چیزی در تاریخ سابقه داشته، آن هم با تغییر موضوع و شرایط، دلیل بر ابقای مادام شکل آن است؟ این تحلیل تحولات نظام اجتماعی سیاسی مبتنی بر دولت‌های مدرن، کارکردهای آموزش مدرن در ملت‌سازی، تربیت شهروند، تضمین بوروکراسی و دموکراسی، تضمین رشد و پیشرفت و... را نادیده می‌انگارد. به تعبیری آسیب‌های فقه سنتی فردی در خلأ ایجاد

فقه پویای اجتماعی دامن گیر این استدلال است. برخی از متولیان، مسیر اثبات این مدارس را از توضیح ضرورت اصلاح نظام آموزش رسمی موجود، خاستگاه فیزیکی آن در مکان مقدس مسجد، متولیان حوزوی و تقاضای مردمی پی گرفته‌اند که منطقیاً هیچ‌کدام به اثبات و ضرورت گونه تازه ایجاد شده مدارس مسجد محور ختم نمی‌شود. آن گونه که در سخنرانی‌های عمومی مطرح کردند مسئله اصلی آن‌ها به لحاظ نظری خاستگاه تاریخی مدرسه مدرن در غرب سرمایه دارانه، علم تعلیم و تربیت مدرن غربی و سازمان مبتنی بر فلسفه و متافیزیک غربی معرفی می‌شود. لذا جدی ترین موضع گیری‌ها علیه پذیرش استانداردهای سازمان رسمی آموزش و پرورش در این جریان وجود دارد. به نحوی که ورود به داخل ساختار رسمی آموزش و پرورش و ضرورت پذیرش الزامات قانونی آن آغاز نابودی جریان مدارس مسجد محور هم سرنوشت شدن با جریان نهضت سوادآموزی یا جهاد سازندگی دانسته می‌شود. هرچند به طور متناقضی واقعیت‌ها فشار زیادی برای رسمی شدن به این جریان وارد کرده و رایزنی با ساختار رسمی برای دریافت مجوز و با حمایت شخصیت‌ها و نهادهای دینی و نظامی به شدت پیگیری شد.

در نهایت تا امروز در وجه ایجابی و برای توضیح چیرستی این گونه مدارس آنچه ارائه شده مجموعه‌ای از تجربیات زیسته موردی و دستاوردهای فردی به جای یک نظام و الگوی نظری مشخص و مستدل بوده است.

فرم و محتوای مدارس مسجد محور: چالش سنت و مدرنیته

سه نوع اصلی برای این مدارس شناسایی شده است^۱:

الف) مدرسی که بدون چالش با آموزش و پرورش با رویکرد تحولی به دنبال ارتقای فرمی و محتوایی آموزش رسمی هستند.

ب) مدرسی که کتب رسمی را پذیرفته و فرم و محتوای ویژه‌ای نیز بر آن اضافه می‌کنند.

ج) مدرسی که کاملاً جدا از آموزش رسمی، تنها فرم و محتوای تولیدی خود را ارائه می‌نمایند. به لحاظ فرم این مدارس عمدتاً داخل مسجد، داخل شبستان‌های مسجد و در برخی موارد اتاق‌های پیرامونی مسجد، عمدتاً بدون میز و نیمکت و بر روی زمین تشکیل می‌شود. روزها و ساعات درسی و تعطیلات متفاوت از آموزش رسمی و تقویم ملی از ۴ ساعت تا ۱۱ ساعت اعلام شده است. برنامه درسی و ابزارهای آموزشی و کمک آموزشی تکنولوژیک یا آزمایشگاهی وجود ندارد یا محدود به برخی ابزارهای پیشه‌وری از جمله نجاری است. این ایده‌ها که صدق و کذب یا کارایی و اثربخشی آن‌ها محل تردید است به شدت نیز مورد دفاع متولیان قرار دارد. مواردی مانند اصالت داشتن مکان مقدس برای این جریان جزو اصول به حساب می‌آید و کاملاً در مقابل

۱. این دسته بندی با ذکر نام مدارس مسجد محور هر دسته در مقاله «حدادی پیشه، مرتضی، سید محمدصادق موسوی نسب، سید حسین شرف‌الدین (۱۴۰۲). تحول خواهی آموزش و پرورش در بستر مسجد: ارائه الگوی مدارس مسجد محور بر اساس راهبرد پژوهش داده بنیاد. مجله اسلام و پژوهش‌های تربیتی. سال پانزدهم، شماره اول، پیاپی ۲۹، بهار و تابستان، ص ۷-۳۲» ارائه شده است.

ادعای رئیس سازمان مدارس و مراکز غیردولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی مبنی بر ممنوعیت حضور داخل مسجد و ضرورت به رعایت همه استانداردهای رایج آموزش و پرورش است. به لحاظ محتوا در ضمن وجود برخی آسیب‌شناسی‌های درست، آنچه به‌عنوان تکمیل یا جایگزین ارائه می‌شود تنها بر اساس ادعاهای مریبان و رضایت احتمالی خانواده دانش‌آموزان مورد ارزشیابی قرار گرفته و از اصالت یا تأیید مرجعی برخوردار نیست. رویکردی که در پاسخ به نیاز اشتغال و مهارت ارائه شده، رویکرد پیشه‌وری است که عمدتاً به نجاری اختصاص دارد. وقتی از علوم نوین صحبت شده به طراحی سایت و تدوین اشاره می‌شود. پاسخگویی نهایت در قبال امام جماعت مسجد یا والدین رخ می‌دهد. وضعیتی آشفته، بی نظارت و بی مسئولیت که در مقابل هرگونه نظم ساختاری، نظارت الزام‌آور و الزام به مرجعیتی خارج از خود مقاومت دارد. آنچه از این فرم و محتوا بازنابانده می‌شود نحوی از مناقشه واپس‌گرای سنت و مدرنیته است. هر آنچه متعلق به تاریخ و گذشته است دارای ارزش و اصالت و هر آنچه جدید است پوچ و بی‌مبنا است. زمینه‌ای که نسبت به اندیشه و تربیت متحجرانه، سلفی‌گری، تکفیری و سنت‌گرایی هشدار می‌دهد. گسترش این نوع مدارس در مناطق و استان‌های دارای ویژگی خاص کاملاً قابل پیش‌بینی است. استان‌های مرزی، حاشیه شهرها، شهرهای مهاجرپذیر، استان‌های دارای اقلیت به واسطه ساختار کم‌هزینه و امکان سهل راه‌اندازی می‌تواند نقاط هدف باشد که چالش‌های ویژه خود را ایجاد خواهد کرد.

ایدئولوژی و پداگوژی در مدارس مسجدمحور

همان‌طور که شورای عالی نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام ایراد قانونی وارد کرده است، اختصاصی کردن مدارس و رویکرد نخبه‌پروری ایدئولوژیک و سیاسی نزد این جریان محل چالش است. فراگیری یکی از اصول آموزش و پرورش است در حالی که این مدارس مطلق ایدئولوژیک و حتی سیاسی هستند. هدف‌گذاری‌هایی چون تربیت خمینی‌ها، تربیت طلبه، تربیت سرباز امام خامنه‌ای و ... در نزد متولیان این عرصه با اصول آموزش عمومی در تعارض قرار دارد. نسبت این ایده‌ها با پداگوژی نیز مخدوش است. تصمیمات و رویه‌های شاذ امری عادی در مسیر آموزشی و تربیتی این مدارس است. دانش غیر کافی فعالان این عرصه از حوزه تخصصی پداگوژی، برنامه آموزشی و حوزه‌های مرتبط باعث خنثی بودن این مدارس در رویکردهای پداگوژیک و احتجاج به منویات و بیانات بزرگان شده است. آنچه در عمل هم انجام می‌شود بسیار متنوع و متکثر است. لزوماً همه فعالان از قشر روحانیت نبوده و برخی افراد معمولی نیز از این فرصت استفاده کرده‌اند. برخی تحصیلات دانشگاهی غیر مرتبط دارند و برخی اندک تحصیلات مرتبط. شاید در نگاه خرد این فرصت بادآورده منجر به رویش‌هایی در ظهور برخی روش‌ها یا ایده‌ها نزد افراد خودی و آشنا گردد اما به همین جا ختم نخواهد شد. مسیر قانونی که عالمانه، جامع‌ومانع نسبت به همه عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی نگاه نکنند ناظری که قدرت

احصا، شناخت و ارائه مجوز و نظارت بر حسن اجرا و ارزیابی نداشته باشد، تنها قانونی کردن فساد و عدم امنیت در عرصه آموزش و پرورش خواهد بود. چه بسیار جریان‌های منحرف دینی و مذهبی، وهابیت و بهابیت، گروه‌های اقلیت قومی و زبانی، جریان‌های بدعت‌گذار شیعی داخل حوزه‌های علمی و میان طلبه‌ها، جریان‌های مریدی و مرادی، جریان‌های سیاسی و اقتصادی بین هیئت امنای مساجد، خرده‌فرهنگ‌های شهرنشین و روستانشین، کلونی‌های و فرقه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ... که در پس این جریان مسجدی آتش به اختیار و مردم محور به کمین باشند یا به طمع بیفتند. و سرانجام آن، آزمون و خطا در تعلیم و تربیت نسلی از کودکان و نوجوانان کشور و تهدید همه‌جانبه امنیت ملی در تعریف خاص و موسع آن خواهد بود.

ظرفیت‌های نهادی و ساختاری محدود در حکمرانی آموزش عمومی

مدل مدارس مسجد محور از جهت تأمین زمین و ساختمان به هزینه مسجد، هزینه پایین نیروی انسانی با مشارکت جهادی و طلبگی و عدم درخواست زیرساخت و تجهیزات به خاطر حذف این عوامل از پروسه آموزش، جذابیت بسیاری برای دولت دارد که آموزش را همچون هزینه می‌بیند. در حالی که محدودیت‌های نهادی و ساختاری حکمرانی آموزشی در کشور می‌تواند این مسیر را به جاده‌ای پردست‌انداز و پرهزینه از جنبه‌های مختلف تبدیل کند. علاوه بر آنکه این مدارس نیز نمی‌توانند به همین شکل ادامه دهند. چنانکه طبق گزارش ماهنامه ستاد مردمی مدارس مسجد محور^۱ تأمین مالی این مدارس با مشکلات عدیده مواجه است. برخی شهریه نمی‌گیرند، برخی از خیرین کمک می‌گیرند، برخی شهریه‌های یک میلیون تا ده میلیون گرفته‌اند، و برخی از راه پروژه‌های دانش‌آموزان، راه‌اندازی بوفه مواد غذایی یا مغازه، دریافت پسماند از والدین و بازیافت، استفاده از وجوهات شرعی، نذر فرهنگی، کار دانش‌آموز در منزل خود یا بیرون راه‌های تأمین مالی ذکر شده تأمین مالی می‌کنند. راه‌هایی که با گسترش تعداد این مدارس یا گسترش دانش‌آموزان آن امکان ادامه ندارد. نهایتاً همان اتفاقی که برای مدارس سپاه و حوزه رخ داد یعنی حرکت آهسته به سمت تعیین حداقل شهریه و سپس پولی شدن با ارقام بالا در انتظار این مدل مدارس نیز است.

شکل این مدارس و امکان گسترش سریع آن، در کنار استقبال دولت و تقاضای اجتماعی برای تحول در آموزش، پیش‌بینی افزایش سریع این مدارس را به همراه دارد. در هر سه ساحت عرضه‌کننده، تقاضاکننده و ناظر با چالش‌های جدی روبه‌رو است. جمع‌هایی کوچک از ۲ تا ۳۰۰ دانش‌آموز که از متغیرهای زمینه‌ای و جمعیت‌شناختی آن‌ها مثل جایگاه طبقاتی، منزلتی حتی رویکردهای سیاسی خانوارهای کنده از آموزش رسمی، پراکندگی قومی و مذهبی و زبانی و حتی ملیتی آن‌ها اطلاعی در دست نیست. همراه با مدیران و مربیانی که ملاک انتخاب و معیار شایستگی‌های تخصصی حرفه‌ای و اخلاقی آن‌ها مشخص نیست، با مجوز هیئت امنای مسجد

۱. ماهنامه مدارس مسجد محور، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۱، صاحب‌امتیاز: ستاد مردمی مدارس مسجد محور.

که شناخت خاصی از آن‌ها وجود ندارد. مطابق با ایده‌هایی خودجوش ثبت نشده و آزمون نشده که اصالت دینی و علمی آن به نظر هیچ ناظری نرسیده است. همه این موارد پتانسیل تبدیل به یک بحران آموزشی، اجتماعی و امنیتی را دارد و باید نسبت به برخورد شتاب‌زده و غیر کارشناسی با این پدیده هشدار داد.

امروز نظریه‌های توسعه و پیشرفت بر جایگاه و نقش بی‌بدیل دولت قوی و ظرفیت دولت برای موفقیت ملی اجماع دارند. از جمله مسائل مطرح در حکمرانی مطلوب برای توسعه و تغییر اجتماعی اثربخش، قدرت انعطاف‌پذیری و تطابق نهادی با نااطمینانی‌ها است. عوامل این قدرت یا عدم قدرت هر چه که باشند، امر مسلم در ساختار آموزش و پرورش کشور ضعف نهادی و تصلب ساختاری آن است. تنگناهای مالی و سهم بیش از نود و پنج درصدی حقوق و دستمزد از بودجه آموزش و پرورش برجسته‌ترین مضیق‌ه‌ای است که حتی امکان مطالبه از وزارتخانه را بی‌وجه کرده است. تنگنای نیروی انسانی، ضعف نهاد علم در تولید و انتشار پژوهش و داده، ضعف طرح و برنامه، ضعف نظارت و حسابرسی، ناکارآمدی ساختار اداری و مسائل پرشمار دیگر نشان می‌دهد آموزش و پرورش با توان و ظرفیت حال حاضر خود توان ریل‌گذاری، نظارت و ارزیابی و هدایت درست این عرصه را ندارد.

جمع‌بندی و توصیه‌های راهبردی

بنا بر آنچه مطرح شد، در تنگناهای حکمرانی آموزش عمومی در کشور، هزینه‌های قانونی شدن و گسترش این مدارس بیش از فواید و دستاوردهای آن ارزیابی می‌شود. اساس بحث نیازمند بازآرایی از منظر حکمرانی ملی، مسائل آکادمیک تعلیم و تربیت اسلامی - ایرانی و قوانین آموزش و پرورش رسمی است. بر اساس یک نگاه راهبردی به جای تسکین موقت و جزئی با شیوه‌های پرریسک و ناامن، باید اهتمام بر آموزش عمومی، همگانی و رایگان برای دستیابی به آموزش باکیفیت و برابر در اولویت سیاست‌های حکمرانی ملی قرار بگیرد. در این راستا، توصیه‌های زیر مطرح می‌شود:

الف) نگاه راهبردی در سطح حکمرانی ملی به ماده قانون مربوطه: وظیفه حکمرانی ملی و نظام تصمیم‌گیری‌های اساسی کشور است که در مورد طرح‌های با این سطح از پیامدهای پایدار و بلندمدت اجتماعی و امنیتی، دقت نظر راهبردی داشته باشد. از این منظر، مسیر پیشبرد این سیاست قانونی بدون کارشناسی درون سازمان‌ها و موضع تخصصی و قانونی خودش، بدون مشارکت نخبگان و بدنه آموزش رسمی کشور، توسط افرادی محدود به عنوان نمایندگان مردمی یک جریان مردمی که جایگاه قانونی، رسمی و حتی تخصصی نداشته‌اند نگرانی‌های بیشتری ایجاد می‌کند که ملاحظات سطح حکمرانی مورد غفلت واقع شده باشد. هر چند به این افراد که واکنش خود را در مقابل کنش و تقاضای بخش خاص و کوچکی از مردم تعریف می‌کنند ایرادی وارد نیست؛ چرا که اساساً این وظیفه آن‌ها نیست که هماهنگی در سطح حکمرانی را بر عهده داشته باشند.

ب) واقع‌گرایی و توجه به ظرفیت‌های سازمانی عوامل مرتبط: یکی از مسائل عمده رشد و پیشرفت کشور که بسیاری از فرصت‌ها و اقدامات را تبدیل به تهدید و هزینه کرده، عدم توجه به ظرفیت‌های سازمانی است. در مورد ظرفیت سازمان مساجد، سازمان آموزش و پرورش و سازمان حوزه علمیه برای راه‌اندازی چنین مسیری با سناریوها و چشم‌انداز مبهم، توجیه و تبیین کامل نیاز است. آیا این شکل از مدارس با این منابع مادی، انسانی، دانشی و این ترتیبات نهادی و فرآیندها می‌تواند منابع و اندیشه‌های خود را با موفقیت به خروجی مطلوب برساند؟ در بین متولیان و فعالین موجود، دو ضعف اصلی ظرفیت سازمانی یعنی منابع و مدیریت درحالی‌که با چالش‌های جدی مواجهه است که ساختار رسمی توان و تمایل برای این حجم از نیروی مستقل با چنان رویکردهای نظری را نخواهد داشت. ادعاهای موجود که در مصاحبه‌های رسانه‌ای بر قانون‌پذیری نظارت همه‌جانبه و کفایت همه استانداردهای آموزشی در این مدارس بیان می‌شود خلاف واقع و واقع‌گرایی برای آینده است.

ج) واگذار نکردن مسائل به اجرا: رویه‌ای در حوزه سیاست‌گذاری کشور حاکم است که ایده‌ها به قانون تبدیل شود به امید آنکه در گام اجرا مسائل آن را حل خواهند کرد. این ادعا ناشی از عدم دانش کافی نظری و اشراف میدانی کشور است. برخی نظریه‌پردازان توسعه معتقدند اساس مسئله توسعه نیافتگی یک کشور یا یک حوزه در مسئله اجرا نهفته است. از سوی دیگر عمده‌ای از مسائل کشور که در سطح نظری قوی و متقن هستند به واسطه کاستی‌های اجرا و مجریان انجام نشده، اهداف خود را به محقق نمی‌کنند یا حتی به ضد خود تبدیل می‌شوند. آن‌طور که ما نه با چالش اجرا که با باتلاق اجرا در کشور مواجه هستیم.

د) توقف تصویب یا ابلاغ قانون تا انجام مطالعات تخصصی و بین‌حوزه‌ای: بخشی از نابسامانی‌های آموزش عمومی و رسمی کشور ناشی از پیگیری ایده‌های شخصی افراد یا خرده‌فرهنگ‌ها است که عموماً موجه نیز بوده‌اند ولی در رویه‌ای غیر شفاف و خارج از فضای تخصصی و مشارکت‌نخبگان این عرصه پیگیری شده‌اند و همچنان محل چالش و اختلاف نظر می‌باشند. انتظار می‌رود در دهه پنجم انقلاب اسلامی چنین رویه‌هایی مبتنی بر نظم اجتماعی شخص محور اصلاح شده و امکان عرض‌اندام نداشته باشد. شرایط امروز شرایط دهه ابتدایی انقلاب نیست. زیرساخت‌های ساختاری و انسانی لازم برای طی کردن مسیرهای شفاف و علمی وجود دارد. لذا پیشنهاد می‌شود قانونی کردن ماده پیشنهادی از مسیر درست آن به بعد از تولید و انتشار گزارش‌های تخصصی و بین‌رشته‌ای مرتبط و با مشارکت سازمان‌هایی مربوطه طی شود تا حداقل کمیسیون تخصصی مجلس و دولت قادر به ارائه نظر در این باره باشند.

ه) اصلاح ساختار آموزش و پرورش به سمت انعطاف‌پذیری اصولی و تمرکززدایی: آنچه جریان مدارس مسجد محور به عنوان دستاورد بیان می‌کند بیش از آن چیزی نیست که در مدارس موفق موجود از مسیر طراحی برنامه‌های فوق‌العاده غیردرسی و برنامه‌های خلاقانه پرورشی،

اردویی و از این دست حاصل می‌شود. حتی نسبت به برنامه‌های مدارس غیردولتی اسلامی از خامی و ضعف بیشتری برخوردار است. نه تنها جریان مدارس مسجدمحور بلکه بسیاری از رویکردهای تحولی و اصلاحی علت اصلی مواجهه غیررسمی و زیرزمینی و پنهانی خود را ساختار سخت و غیرقابل نفوذ آموزش و پرورش، عملکرد بی‌مبنای حراست، و عدم ارتباط‌های متناسب درون سازمان با مدارس عنوان کرده‌اند. چراکه جایی برای شنیدن، دریافت ایده‌ها و طرح‌های جدید و امکان تغییرات اصلاحی نیست. لذا در حالی که آموزش رسمی با انواع مدارس موجود خودش چالش دارد، هر کس آموزش را از سمتی می‌کشد یا با انگیزه‌های آموزشی و با غیر آن تا برای خود حیات خلوتی درست کند. راهبرد اصلی باید به سمت تدارک مسیرهای قابل نظارت، کارشناسی و قانونی باشد تا انگیزه‌های فردی به نحو مطلوب در راستای اهداف حکمرانی ملی آموزش و اصول پذیرفته شده علمی و ارزشی هم‌افزا شده و سامان یابند.

و) ایجاد نهادی جدید به جز مدرسه رسمی: همان‌طور که اشاره شد مهم‌ترین ظرفیت مسجدمدرسه، دسترسی حاکمیت به زمین رایگان و کاهش هزینه است. اما این امتیاز نباید همه جنبه‌های آموزشی و پرورش را تحت شعاع قرار بدهد. دستاورد آموزشی و پرورشی این مدارس در حد برنامه‌های فوق‌العاده مدارس است که امکان و فرصت طراحی و اجرای برنامه‌های خلاقانه و تکمیلی را داشته‌اند. سازمان‌دهی این جریان در قالبی غیر از مدرسه که با محوریت ارتباط مسجد و مدرسه یا ارتباط مسجد با حوزه سامان یابد، می‌تواند از خدشه‌دار شدن نهاد رسمی آموزش و پرورش عمومی و آموزش رسمی حوزه علمیه جلوگیری کند و در عین حال از فرصت‌های آن استفاده شود. مثل تفاهم‌نامه همکاری مشترک سه‌جانبه که فی‌مابین سازمان مدارس و مراکز غیردولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی، قرارگاه جهادی توسعه همه‌جانبه روستا (وزارت کشور) و موسسه مدارس مسجدمحور در ۳۰ آبان ۱۴۰۲ منعقد شد تا به توسعه زیرساخت‌های آموزش و اشتغال در روستاها کمک کند. این نهاد خلاق جایی بین حوزه و مدرسه قرار می‌گیرد و به دنبال رفع کاستی‌های این دو گونه نظام آموزشی مبتنی بر دانش‌افزایی و مهارت‌افزایی خواهد بود.

